

پژوهشی پیرامون چند معمارباشی ایالت فارس در دوره قاجار بر پایه اسناد و منابع تاریخی

چکیده

نام برخی از معماران قاجاری ایالت فارس را می‌توان در کتیبه‌ها یافت؛ ولی به‌ندرت آگاهی مدونی از آثار و زندگی «معمارباشی‌های دیوانی» آن وجود دارد. از سوی دیگر، هرچند منصب معمارباشی‌گری، مسندی درباری بود ولی جزئیات وظایف آن‌ها در تمامی ایالت‌های کشور، یکسان نبوده است. بنابراین، شناخت آن‌ها می‌تواند به درک بهتر تاریخ اجتماعی معماری ایران کمک نماید. هدف پژوهش کنونی شناسایی معمارباشی‌های ایالت فارس در دوره قاجار بوده و می‌کوشد تا شناختی از پاره‌ای رویدادهای روزانه معمارباشی‌ها بر پایه اسناد و مدارک و روایتی چندوجهی از وضعیت شغلی، وظایف و کار آن‌ها فراهم آورد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌هاست؛ معمارباشی‌های ایالت فارس چه کسانی بودند و چه نسبتی با روایت‌های برجای‌مانده در دیگر شواهد تاریخی دارند؟ وظایف احتمالی آن‌ها در دیوان فارس چه مواردی بوده است و چه تشابه یا تمایزی با دیگر معمارباشی‌های دارالخلافه دارند؟ و از نظر اجتماعی و صنفی چه خصوصیتی از آن‌ها قابل‌ت تشخیص است؟ روش پژوهش تفسیری-تاریخی و مبتنی بر تحلیل و توصیف است؛ اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) و آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار در کنار منابع تاریخی دسته‌اول موردبررسی قرار گرفتند. نتایج درمجموع ضعف تشکیلات معماری ایالت فارس را نشان می‌دهند که با حذف «مباشراً» و «به‌کارگیری طراحانی جز معماران» کارنامه درخشانی ندارد. معمارباشی‌های ایالت فارس یعنی «میرزا حسن معمارباشی»، فردی کار نابلد و سودجو که بیش از یک دهه در میانه دوره ناصری بر این مسند ماند؛ «آقاخان معمارباشی»، آخرین معمارباشی روزگار ناصری که خصوصیات او همچنان پوشیده است و سرانجام «معمدالسلطان معمارباشی»، که از اوایل دوره مظفرالدین‌شاه به حسن فکر و حواس‌جمع شهره بود، تنها موارد قابل‌شناخت هستند. احتمالاً ساخت عمارت الحاقی ارگ و قهوه‌خانه‌ای در جوار آب‌انبار وکیل، و مرمت میدان توپخانه از کارهای معتمدالسلطان هستند. تمامی این معمارباشی‌ها بیشتر در مقام بنیانی قابل‌بودند و وظایفی فروتر از همان‌های خود در پایتخت داشتند.

کلیدواژه‌گان: فارس، معمار ایالتی، معمارباشی‌گری، معتمدالسلطان معمارباشی، میرزا حسن معمارباشی

مقدمه

نام و نشان شماری از معماران و بنیایان ایرانی در کتیبه‌های ساخت یا مرمت، ثبت شده و جسته‌وگریخته به دست پژوهشگران رسیده است؛ ولی در قیاس با فراوانی بناهای تاریخی ایران، این شمار اندک و بسیار ناچیز است. عمل بنایی و نقش پیشه‌وران معماری در برپایی عمارت این امکان را می‌داد تا نشان معماران و دیگر عاملان معماری، در مراتب گوناگون، به نحوی برای نسل‌های آینده محفوظ بماند. ولی افرادی - که فارغ از میزان تبحر آن‌ها در امر معماری - به منصب «معمارباشی‌گری» یا «معمار دیوانی» در دربار و ایالت‌ها دست می‌یافتند و بسیاری اوقات نقش نظارتی و فنی و عملی در ساخت عمارت‌ها داشتند، به‌ندرت نشانی در کتیبه‌ها دارند و باید نام آن‌ها را در اسناد دیوانی و نامه‌ها و مکاتبات و روزنامه‌ها و خاطرات و دیگر نوشته‌های تاریخی جست. از سوی دیگر، عنوان معمارباشی و منصب معمارباشی‌گری سبب گردید تا نام حقیقی برخی از این معماران، به‌ویژه در دستگاه حاکمان و والیان ایالت‌های کشور، در پرده فروماند و به‌سختی بتوان ردی از آن‌ها به‌طور پیوسته در منابع تاریخی به شکلی یافت که معرف آثار، زندگی اجتماعی، و ویژگی‌های فردی آن‌ها باشد. به‌این ترتیب بخشی از تاریخ عاملان معماری ایران مغفول مانده و کمتر موضوع مطالعه بوده است. هدف این پژوهش شناسایی چند تن از همین معمارباشی‌های دوران قاجار - از دوره ناصری به این‌سو - در ایالت فارس است که هنوز به‌درستی شناخته نشده‌اند و آگاهی چندانی نیز درباره نقش، وظایف و آثار آن‌ها در دست نیست. این پژوهش می‌کوشد تا در ابتدا شناختی اجتماعی از پاره‌ای

رویدادهای روزانه معماری‌های آن‌ها با پیشه و حاکمان بوده، به دست دهد و سپس این شناخت را پایه‌ای برای شناخت معماری‌های ایالت فارس قرار داده و درک بهتری از وضعیت شغلی، وظایف و کار آن‌ها فراهم آورد. برای دستیابی به این هدف توجه ویژه‌ای به اسناد شده است؛ چراکه سندهای برجای مانده از روزگار قاجار بیش از هر منبع دست‌اول دیگری می‌تواند زیست روزانه آن‌ها را گزارش دهد. کارکرد در زمانی این اسناد در حکم آینه‌ای از روندها و منس‌ها و کنش‌های حاکم بر این دسته از معماران هستند و نه تنها تصویر روشن‌تری عرضه می‌کنند؛ بلکه در بسیاری مواقع تنها مدارک موجود نیز تلقی می‌شوند.

پرسش‌های پژوهش: این پژوهش می‌کوشد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: الف) معماری‌های ایالت فارس چه کسانی بودند و چه نسبتی با روایت‌های برجای مانده در دیگر شواهد تاریخی دارند؟ ب) وظایف احتمالی آن‌ها در دیوان فارس چه مواردی بوده است و چه تشابه یا تمایزی با دیگر معماری‌های دارالخلافه دارند؟ و ج) از نظر اجتماعی و صنفی چه خصوصیتی از آن‌ها قابل تشخیص است؟

روش پژوهش: پژوهش کنونی از «روش تفسیری-تاریخی» مبتنی بر توصیف و تحلیل بهره می‌برد و به‌طور ویژه در زمره «تاریخ بازسازی گرایانه» ولی مبتنی بر نوعی واقع‌گرایی عملی است که می‌کوشد محتمل‌ترین تفسیر ذاتی موجود در اسناد گذشته را از طریق نوعی تک‌نگاری، روایت کند و بدین ترتیب حقیقت تاریخی را به‌وسیله مصداق‌مندی و استقراء، با واقعیت گذشته انطباق دهد (مانزلو، ۱۴۰۳: ۶۹، ۷۱ و ۲۹۱) مبنای اصلی این پژوهش بر اسناد قرار دارد. اسناد مرتبط با معمار و معماری‌های در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) و «آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار» مورد مطالعه قرار گرفتند و از مجموع آن‌ها برای تبیین یک روایت چندوجهی استفاده شده است. سپس برای یافتن شواهد دیگر به منابع هم‌عصر موضوع مراجعه شده و کوشش گردید تا هر داده‌ای که درباره معماری‌های یا معماران دیوانی فارس در دسترس باشد، بررسی و در تحلیل‌ها به کار گرفته شود. تفسیر داده‌ها تاریخی و اسناد با یکدیگر، نتایج را رقم زدند.

پیشینه پژوهش

مورخان معماری در ایران کمتر درباره صنف معماران روزگار قاجار و جایگاه معماری‌ها در آن به مطالعه پرداخته‌اند. در مجموع تنها چند نوشته معتبر در این زمینه در دست است؛ نخستین آن مطالعه‌ای است که برادران خلخالی (۱۳۹۱) در پایان نامه خود به نام «تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجار» انجام داده و در آن «سازوکار معماری دربار، بودونبود صنف معماران و شئون اجتماعی و فردی معماران قاجاری» بررسی شده است. نمونه قابل توجه دیگر، پژوهش مفصل پیشوایی و اهری (۱۴۰۱) درباره «معماری‌های دربار ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)» است؛ آن‌ها با مطالعه اسناد، روزنامه‌ها و دیگر شواهد موجود، تشکیلات معماری سلطنتی دوره ناصری را کاویده و پنج معماری‌های عبدالله‌خان، محمدتقی‌خان، محمدابراهیم‌خان، حاجی ابوالحسن، و حسین‌علی‌خان معماری‌های را شناسایی نموده و ضمن ارائه شرحی از احوال و وظایف و آثار آن‌ها، تحولات منصب معماری‌گری و وابستگان به آن‌ها را نیز در آن دوره به‌خوبی شرح داده‌اند.^۱ به جز این دو مورد، سیاهه‌هایی نیز درباره اسامی معماران ایران گردآمده که در آن‌ها می‌توان نام شماری از معماری‌ها را دید؛ از آن جمله، نوشته‌ای از ذکاء (۱۳۷۹) است که معماران دوران اسلامی را نامبرده و دیگری کتابی است از بزرگ‌نیا (۱۳۸۳) که در آن نام و اثر شاخص ۳۳۴ معمار ایرانی دوران اسلامی آورده شده است.

تشکیلات صنف معماری و باشی معماران

به طول کلی می‌توان دو سطح به‌هم‌پیوسته برای مطالعه تشکیلات معماران و امر معماری در دوره قاجار در نظر گرفت؛ نخستین آن مطالعه در «سطح تشکیلات درونی صنف معماران» است که بی‌تردید متناسب با نیازها و الزامات دوره قاجار

دگرگونی یافته و شناخت آن پیچیده است؛ و دیگری در «سطح تشکیلات معماری موجود در دربار و دیگر ایالت‌های کشور» است که مطالعه آن به سبب وجود اسناد و مدارک دیوانی تا حد زیادی شدنی است. در هر دوی این سطوح‌ها، سلسله مراتبی از مناصب وجود داشته که از یکدیگر قابل تفکیک‌اند. مطالعات مجتهدزاده (۱۴۰۰: ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۵۶) به روشنی نشان داده که «قدرت استنباط» و «توانایی علمی» نقش مهمی در تمایز مرتبه‌ها در صنف معماری داشته به نحوی که در فروترین مرتبه، بنایان و شاگردان (آگاه و مسلط بر هندسه عملی) قرار داشتند و در مرتبه بالاتر استادان و رئیس بنایان (آشنا به مسأحه و نقل میاه)، و سپس مهندسان (توانا در به‌کارگیری علوم مهندسی به‌ویژه حیل و جرأتقال و اوزان و موازین در سیاق عملی) بودند. این بدان معناست که سلسله‌مراتب علمی در «فن معماری» در تناظر با «مرتبه‌های درونی صنف معماری» قرار داده شده و «علم صناعی و مهارت عملی» همچون دو سر طیفی، معیار نظم درونی صنف معماری در طول تاریخ بشمار آمده و مبنایی برای تعیین مرتبه پیشه‌وران آن شمرده می‌شده است.

این امر به طبقه‌بندی دوگانه‌ای در تاریخ پیشه‌وران معماری ایران انجامیده است؛ بنا و معمار. حبیب‌الله بنا مشهور به گل‌کار وزیرآبادی‌پنجانی در رساله «گل‌کاری» (سده ۱۳ق) به‌صراحت در مجادله بین گل‌کار (بنا) و معمار، میان آن دو تمیز گذاشته و معماری را از «کمالیت کسب گل‌کاری» و معمار را «مدبّر و طراح و صاحب‌امتیاز»، و صنعت گل‌کار را «عمل دیوار» معرفی می‌کند که «از او هیچ تجویز نباشد» (بنا، ۱۳۹۳: ۴۰). با این حال، عنوان معمار و بنا در کتیبه‌های معماری برجای‌مانده در بناهای تاریخی ایران کمابیش نشان می‌دهد که این دو الزاماً مرتبه‌هایی جدای از هم نبوده‌اند؛ در سیاهه‌ای که یحیی ذکاء (۱۳۷۹: ۴۴۱-۴۶۳) از معماران و استادکاران دوران اسلامی برشمرده، می‌توان همبستگی یا جانشینی این دو عنوان را به‌خوبی بازشناخت؛ به‌عنوان نمونه، ابوطیب شواء (سده ۴ق) -جد مادری مقدسی مؤلف احسن التقاسیم- معمار و بنا نامیده شده یا غیاث‌الدین شیرازی به‌عنوان یکی از معماران و بنایان جماعت‌خانه مدرسه غیاثیه خرگرد خراسان در ۸۴۸ق آورده شده است. به این ترتیب مراتب حرفه‌ای یادشده در صنف معماری (بر پایه صنعت علمی و عملی) هرچند عقلانی و بر منابع محکم تاریخی نیز استوار است ولی در درون خود پویا است و پیوند زیادی باهم داشتند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، در روزگار صفوی، صنف بنایان دربرگیرنده «معماران، سنگ‌تراشان، گچ‌کاران (گچ‌بر، گچ‌اندود)، قاب‌بندی در سنگ و مرمر، و نقاشان خانه» می‌شد (کیوانی، ۱۳۹۵: ۶۲) و می‌توان انتظار داشت که این امر در روزگار قاجار نیز کمابیش تداوم داشته باشد. باشی نیز در آن دوران یکی از مقامات یا پیشکسوتان منتخب اعضای صنف بود که عموماً با فرمان شاهی یا در شهر ابالتی با فرمان حاکم تأیید می‌شود و به این ترتیب، مقام باشی زمینه نظارت حکومت را بر اصناف ممکن می‌ساخت (کیوانی، ۱۳۹۵: ۸۹). در دوره قاجار منصب «کدخدا» یا «شیخ» یا «رئیس معماران» در سطح جامعه، یکی از همان معماران بلده و معمولاً معماری پیشکسوت و معتمد برای نظم بخشیدن به صنف معماران و کنترل حاکمیت بر پیشه معماری بود که مصداق باشی اصناف دیگر است. ولی منصب «معمارباشی دربار»، فارغ از میزان مهارتی که در معماری داشت، دستکم تا پیش از ۱۳۰۰ق، بیشتر اوقات تنها نقشی فنی و عملی برای نظارت بر ساخت‌وسازهای سلطنتی داشت و نه تنها به‌ندرت یکی از اهالی پیشه معماری بود بلکه حتی در معدود مواردی در طراحی بناها هم دخالت داده می‌شد (پیشوایی و اهری، ۱۴۰۱: ۱۱۷ و ۱۲۲). بنابراین صنف معماران در جامعه از بیرون از طریق کلاتر و محتسب و نقیب و از درون به دست کدخدا و رئیس صنف مدیریت می‌شد که با ساختار نظارتی دربار تفاوت‌های معناداری داشت که بدان اشاره خواهد شد.

تشکیلات معماری دربار قاجار: معماران دیوانی و منصب معمارباشی‌گری

لزوم ساخت‌وسازهای گسترده و مرمت بناهای پیشین در دربار قاجار به‌ویژه در دوره ناصری تحولی در ساختار تشکیلات معماری دیوانی پدید آورد؛ تشکیلات معماری دربار در آن زمان به ترتیب شامل شاه، رئیس بنایی (منصبی دیوانی برای نظارت بر کارها)، معمارباشی، مباشر (نقشی موقتی در پیگیری کارهای مربوط به یک بنای خاص از نظر مدیریتی و دیوانی که به سال ۱۲۸۳ق به تشکیلات معماری دربار افزوده شد)، و معمار (نقشی موقتی در تهیه طرح بنا) بود (پیشوایی و اهری، ۱۴۰۱). وظایف مشترک منصب معمارباشی‌گری که از ۱۳۰۰ق به بعد به دست معماران اهل فن افتاد شامل مدیریت مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بود که به معنای «وقوف آن‌ها بر فنون و دقایق معماری نبود و در عمل، کارهای معماری را معماران طراز اول، بناها، و

عمله‌ها بر عهده داشتند؛ معمارباشی‌ها بیشتر امور عملی و فنی را عهده‌دار بودند، «سرکشی حضوری به ساخت‌وسازها و تعمیرات خرد و کلان بر عهده آن‌ها بود و به‌ندرت در طراحی بناها دخالت داشته یا طرف مشورت بودند»، آن‌ها به امور تعمیرات و تحویل کارها بر مبنای محاسبات نیز مشغول بوده و عاملان خرد را بر سر کارها می‌گماشتند (پیشوایی و اهری، ۱۴۰۱: ۱۱۵-۱۱۸). به‌عنوان نمونه، «عبدالله خان» که بیشتر به‌عنوان نقاش‌باشی شناخته می‌شد در فرمانی کم‌نظیر از محمدشاه قاجار در ذی‌قعدة ۱۲۵۵ق به سبب «محاسن کردانی و استادی در نقاشی و طراحی بیوتات» به «منصب باشی‌گری معماران و پیشه‌وران و سایر ارباب حرف و صنایع بیوتات خاصه سرافرازی» یافت و مقرر شد تا «افراد و آحاد و اشراف و اعیان نقاشان و معماران و مهندسان و میناکاران و نجاران و حجاران و فخاران و شیشه‌بردان و حدادان و سرایداران و باغبانان و مقیمان و شمعیان»، مانند گذشته وی را «باشی بالاستقلال خود» بدارند (ساکما، ۹۹۷/۹۵). البته او از سال‌ها پیش معمارباشی دربار بود؛ در عریضه‌ای متعلق به ربیع‌ثانی ۱۲۵۲ق (سه سال پیش از فرمان محمدشاه)، دربارهٔ پرداخت اضافهٔ تنخواهٔ مصارف بنائی آمده که «عبدالله‌خان معمارباشی» چنین استدعا کرده است (ساکما، ۲۹۵/۵۶۷۳). اثر مهری نیز با سجع «عبدالله معمارباشی» زیر طومار بنائی و تعمیرات عمارت حکومتی در زمان ظهیرالدوله در گیلان وجود دارد که صورت مخارج را تأیید و در هامش طومار از وی به نام «مقرب‌الخاقان عبدالله‌خان صنیع الایاله معمارباشی» یاد شده است (ساکما، ۱۰۷۶۵۸، ۲۴۰). به کار بردن لقب «مقرب‌الخاقان» نشان‌دهندهٔ نزدیکی وی به دربار است.

بررسی اسناد برجای‌مانده، اطلاعات خوبی دربارهٔ معمارباشی‌های دربار در خود دارند. پاره‌ای از این اسناد نشان می‌دهند روابط میان معمارباشی‌ها و دیگر صاحب‌منصبان تشکیلات معماری دربار در برخی اوقات با چالش‌هایی مواجه بوده است؛ نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه در ۱۲۹۲ق، شکوائیهٔ معمارباشی (به گمان قوی محمدابراهیم‌خان معمارباشی) است که مدعی است از «کارهای او کم بازدید می‌کنند [...] و اگر مقصود آن بوده که هرچه میل خاطر خود است باید نوشته شود هیچ حاجت به بازدید نبود» (ساکما، ۲۹۵/۳۶۱۴). در اواخر دورهٔ ناصری (۱۳۰۷ق) محمدمهدی خان اعتضادالدوله دستخطی به شاه می‌نویسد و شکایت معمارباشی، از بیرون کردنش را اعلام می‌دارد (ساکما، ۲۹۶/۱۶۵۳). در دستخطی دیگر، ناصرالدین‌شاه به علاءالدوله دستور می‌دهد، معمارباشی را «جهت قرار گذاشتن در مورد بنایی سردر نقاره‌خانه و بنایی‌های دیگر در شهر» احضار کند (ساکما، ۲۹۶/۱۶۸۵). برخی اوقات ناراضی‌هایی از کار معمارباشی به حدی است که باعث ارجاع کار به معمار دیگری می‌شده است؛ ناصرالدین‌شاه در دستخطی می‌نویسد: «دیوار اطاق نظام را هزار تومان به معمارباشی داده‌ام. دیوار قدیم را خراب کرده و قدری هم که کنده است از قرار مذکور وانموده، یک آجر روی‌هم نگذاشته است [...] باید به معمار دیگر رجوع کنم» (ساکما، ۲۹۶/۱۵۷۴).

دستهٔ دیگری از اسناد شامل گزارش کارها و صورت هزینه‌ها و سپردن مسئولیت از دربار به معمارباشی‌ها است؛ سندی کم‌نظیر از ۱۲۸۹ق نشان می‌دهد که ناصرالدین‌شاه دربارهٔ چگونگی ساخت تالار در باغ عمارت و ارجاع آن به معمارباشی توضیحاتی داده است (ساکما، ۲۹۵/۲۹۸۲). که به گمان قوی باید منظور محمدابراهیم‌خان معمارباشی باشد که چه‌بسا گزارشی از وی در خصوص امور بنایی در سندی مورخ ۲۷ محرم ۱۲۹۲ق نیز دیده می‌شود که در آن اعلام‌شده، تمام عملیات در قصر عاج به‌خوبی مشغول کارند و در خصوص «رُسی سو به نارنجستان عمارت شمس‌العماره» نیز نظرات معمارباشی آورده شده است (ساکما، ۲۹۵/۳۵۸۷). از وی به «معمار مخصوص» نیز یاد شده است (ساکما، ۲۹۶/۱۵۴۴). در سندی دیگری، به علاءالدوله (۱۲۹۹ق) دستور می‌دهند تا معمارباشی، مخارج ساخت عمارت اندرون و بیرون، آشپزخانه، چند اطاق، و حمامی عمومی در جاجرود را پس از بازدید اعلام دارد. در این سند تعداد اطاق‌ها، مصالح و ویژگی کلی مورد انتظار برخی فضاها آورده شده است (ساکما، ۲۹۶/۱۶۰۰). ولی کار معمارباشی‌ها تنها به این موارد محدود نبود و برخی اوقات جزئیات را نیز دربر می‌گرفت؛ در سندی گزارش‌شده که ساخت پنجاه‌وپنج باب از هشتاد باب بخاری حجره‌های میدان جدید به «معمارباشی» سپرده شده است (ساکما، ۲۹۶/۱۶۹۸).

معمارباشی‌های ولایات و سایر معماران دیوانی

برخی از اسناد برجای مانده از دوره قاجار نشان می‌دهند که افزون بر معماری‌های خاصه دربار، دیگری نیز بودند که با عنوان معماری‌اش یا به‌عنوان «معمار دیوانی»، و یا تنها «به امر حکومت» به کارهای دیوانی در پایتخت یا دیگر ولایات می‌پرداختند. از این موارد به‌عنوان نمونه می‌توان به هامشی از ناصرالدین‌شاه بر «طومار مخارج کاروانسرای دولتی» به شرح «آقانظرعلی معماری‌اش» اشاره کرد (ساکما، ۲۱۰/۱۸۹۹). یا دستخطی از «محمدحسین معماری‌اش» وجود دارد که در ۱۲۸۳ ق به دستور میرزا محمد مستوفی، خانه‌ای را در باغ همایون بازدید و قیمت آن را برآورد کرده است (ساکما، ۹۹۹/۳۲۸۵). اسنادی نیز از معماری‌های در شهرهای دیگر دیده می‌شود؛ نام «استاد عبادالله معماری‌اش» در شرح «تعمیرات عمارت دیوانی قلعه مبارکه اردبیل» در سال ۱۳۰۳ ق دیده می‌شود (ساکما، ۹۹۷/۱۵۹). «حاجی میرزا آقا معماری‌اش» هم در ۱۳۳۰ ق با سه تن دیگر از اهالی شهر کاشان عقد شراکت می‌بندد تا به معامله ملک و مانند آن پردازند (ساکما، ۲۹۶/۲۴۴۳۷). سند دیگری نشان می‌دهد که «استاد محمداسماعیل معماری‌اش قمی» (معمار و کاشی‌کار دروازه ناصریه در ۱۲۹۶ ق) (ساکما، ۲۹۶/۲۲۰۱)، مزرعه حسین‌آباد از توابع ساوه را در ۱۳۰۶ ق در محکمه شرع دارالخلافه تهران، با پسرش مصالحه کرده است (ساکما، ۹۹۹/۳۶۰۲۸). موارد مشابه با این‌ها به‌یقین بسیاریند. این اسناد نشان‌دهنده اوضاع مالی برخی از آن‌ها نیز هست؛ مانند اسناد مسجد و مدرسه موقوفه «حاج ابوالحسن معماری‌اش اصفهانی» در تهران (ساکما، ۲۵۰/۴۹۸۱) یا فرمان محمدعلی شاه (شوال ۱۳۲۶ ق) در خصوص برقراری مقرری «استاد حسنعلی معماری‌اش» پس از فوت به ورثه آن‌ها (ساکما، ۲۴۰/۱۰۷۵۲۰).

در پاره‌های دیگر از اسناد، به «معماران دیوانی» نیز اشاره شده است؛ در تلگرافی مورخ ۲۱ شعبان ۱۳۰۶ ق از امین‌الملک به احتشام‌السلطنه (حاکم خمسه زنجان) آمده که «استاد علی، معمار دیوانی برای بنائی عمارات سلطانیه و گنبد شاه خداینده دو روز است روانه شده» (ساکما، ۲۹۵/۶۱۱۲). یا در سندی دیگر از ۱۲۹۹ ق؛ سواد صورت تعمیرات و برآوردی که «استاد محمد، معمار دیوانی» جهت مرمت عمارت معتمدی برای علاءالدوله تهیه نموده، دیده می‌شود (ساکما، ۲۹۶/۱۶۲۴). برخی اوقات دستورات واصله از دارالخلافه به نام یک معمار بود یا به‌طور مستقیم یکی از معماران ولایات را خطاب قرار می‌داد؛ ناصرالدین‌شاه در دستخطی، «معماری‌اش ساری» را مأمور «کشیدن طرح انبار» می‌نماید (ساکما، ۲۹۵/۱۱۶۷). در تلگرافی از امین‌السلطان در ۲۶ شعبان ۱۳۰۲ ق به کرمان، به «استاد عباس معمار» دستور داده شده «انبار ذخیره کرمان را بچه تعمیر لازمه دارد، برآورد نموده، رفو صورت بدهید» (ساکما، ۲۹۵/۶۴۸۹). برخی اوقات دستورات شاه جهت مرمت ابنیه حکومتی به حاکمان فرستاده می‌شود و به‌طور غیرمستقیم معماران را مخاطب قرار می‌دهد؛ سند کم نظری در دست است که نشان می‌دهد، ناصرالدین‌شاه در ۱۳۰۷ ق امین‌السلطان را مأمور می‌نماید تا به حکام ولایات دستور داده شود «فوراً معمار و مصدق بفرستند طویل‌تو پخانه مبارکه را آنچه بنائی و تعمیر لازم داشته باشد [...] بازدید و برآورد نمائید به‌نحوی که تا چند سال دیگر به‌هیچ‌وجه محتاج به تعمیر نباشد» (ساکما، ۲۹۵/۶۱۸۹).

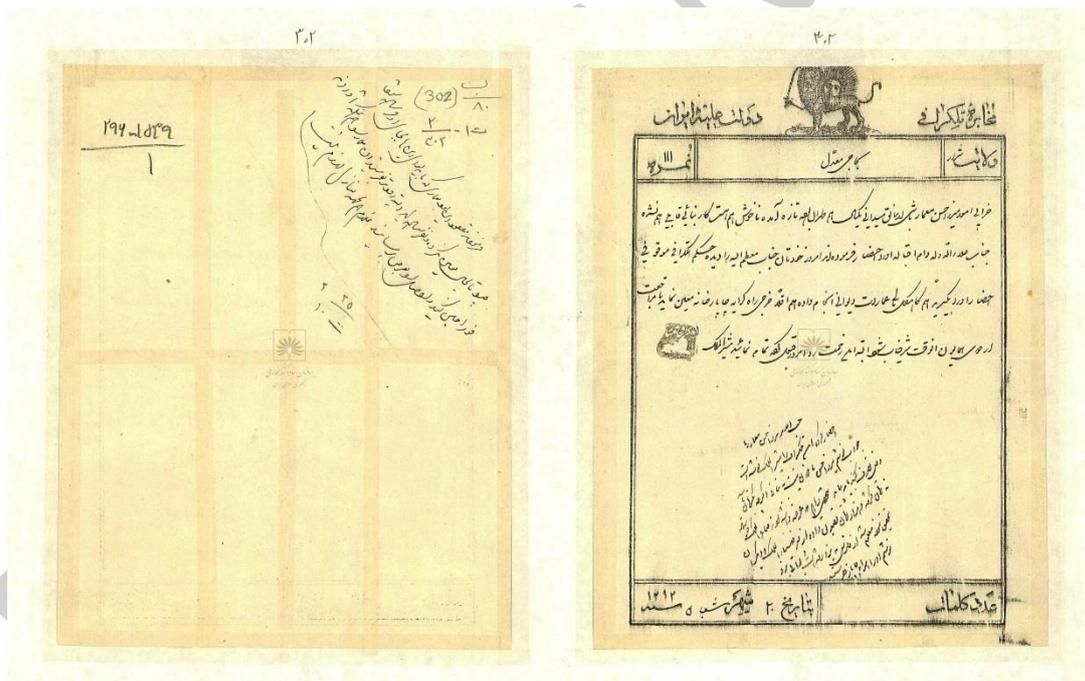
معماری‌های ایالت فارس در دوره ناصری و پس‌از آن

تاکنون نگارنده نشانی از معماری‌های ایالت فارس تا پیش از دوره ناصرالدین‌شاه قاجار به دست نیآورده است. البته می‌توان تصور نمود که اقدامات عمرانی حسینعلی میرزا فرمانفرما، والی فارس، در دوره کمابیش طولانی ۳۶ ساله خود یعنی از ۱۲۱۴ ق به این‌سو، که شامل ساخت عمارت‌های حکومتی، حصاری بر گرد عمارت‌های شاهی به نام ارگ حسین‌آباد (افسر، ۱۳۵۳: ۲۳۲) و چندین مرمت در مسجد وکیل به نام فتحعلیشاه بوده با نظارت معماری‌هایی انجام‌شده باشد که تاکنون ناشناخته مانده‌اند. به همین سبب تنها می‌توان در خلال اسناد و شواهد تاریخی، چندین معماری‌اش را از میانه دوره ناصری به بعد یافت.

۱. میرزا احسن معماری‌اش

نخستین معماری‌اش که نشانی از آن در فارس دیده می‌شود، میرزا احسن معماری‌اش است. بررسی اسناد و شواهد تاریخی موجود نشان می‌دهند که فعالیت‌های وی در فارس را می‌توان به دو دوره بخش کرد؛ دوره نخست از زمان انتصاب در منصب معماری‌اش تا ۱۲۹۲ ق و دوره دوم از ۱۲۹۲ به بعد است. تلگرافی از ۲۰ شعبان ۱۲۹۲ ق در دوره ناصری (تصویر ۱) در دست است

که در آن میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک (۱۲۲۶-۱۳۰۳ق)، وزیر فارس، از ولایت شیراز به حاجی معدل در تهران اطلاع داده که: «خرابی امور میرزا حسن معمارباشی از سابق می‌دانی، یک سال هم طهران بوده، تازه آمده، ناخوش هم هست، کار بنائی قابلی هم نشده، جناب علاءالدوله دام اجاله، او را احضار فرموده‌اند، امروز خودتان جناب معظم‌الیه را دیده، حکم تلگرافی موقوفی احضار او را بگیریید. هم کاهکل مالی عمارات دیوانی انجام داده، هم اقلأً خرجی راه کرایه چارخانه معین نماید تا مراجعت از سوی همایون آن وقت شرفیاب شود. البته این رحمت را امروز قبول کرده تمام نمائید. مشیرالملک» در پایین سند، آمده: «حسبالامر، میرزا حسن معمار را احضار کرده، این تلگراف را مشیرالملک نوشته است. جواب نوشتیم میرزا حسن مأذون نیست به بنائی اگرچه یک‌تومان باشد [...] باید بیاد [...] نه تومان گرفته و هزار تومان [...] داده از بر ضیاءالملک و دیگران، تحقیق نموده معلوم شد از فارس به یزد رفته است برای یزد نوشتم او را همراه چار باز بفرستند» (ساکما، ۲۹۶/۱۵۳۹). منظور از علاءالدوله، محمد رحیم خان فرزند محمد حسن خان نسقچی‌باشی است که در ۱۲۷۸ق به این نام، ملقب شده بود و از ۱۲۹۲ق وزیر اعظم دربار ناصری بود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). مراد از ضیاءالملک نیز به گمان قوی باید میرزا زکی (ف ۱۳۰۲ق) باشد که در سال‌های ۹۸-۱۲۹۷ق به ریاست اداره بنائی دولت و سپس وزیر وظایف در دوره ناصری منصوب شد. وی از نوکران امیر اصلان خان مجدالدوله، دایی ناصرالدین شاه بود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۰۴). در ظهر سند نیز دستخطی است از فردی که مقصود تلگراف را این‌گونه بازنویسی کرده: «معماری که باید سوای این‌ها به‌جای او فرستاده شود [ناخوانا] تا به‌حال معین نکرده و نفرستاده‌اید البته زودتر بفرستید. آن معمار [ناخوانا] آنکه آوردند فوراً حبس کنید و تقاضای او به عرض برسانید. غلام هم به جهت منازل لازم نیست» (ساکما، ۲۹۶/۱۵۳۹).



تصویر ۱: تلگراف مشیرالملک به حاجی معدل در ۱۲۹۲ق (ساکما، ۲۹۶/۱۵۳۹)

این سند نشان می‌دهد که میرزا حسن معمارباشی دستکم چند سالی پیش از ۱۲۹۲ق در این منصب در فارس مشغول بوده و به گمان قوی در میانه دوره ناصری به فارس مأمور شده و در این مدت نه تنها زمامداری چندین والی را در فارس دیده بلکه یک سالی هم در تهران بوده است. از این‌رو، وی باید دستکم در سومین دوره حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان (از ربیع اول ۱۲۹۱-۱۲۸۹ق) در فارس در این منصب بوده باشد، حکومت حسام‌السلطنه (۱۷ ربیع اول ۱۲۹۱-۱۲۹۲ق) را در تهران بوده و بخشی از زمامداری یحیی خان معتمدالملک (۲۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۲-۱۲۹۳ق) را نیز دیده باشد. تلگراف یادشده به همین دوره آخر مربوط است.

افزون بر این، محتوای این سند به خوبی نشان می‌دهد که میرزا حسن معماری‌باشی کار چندانی در این دوره در فارس انجام نداده است. اشاره به عمل «کاهگل مالی» که به همراه «بام‌غلتان» (سنگ استوانه‌ای با دو سوراخ و یک میله خمیده آهنی) هر ساله برای حفظ سلامت پشت‌بام عمارت‌ها از نفوذ آب باران و یخزدگی در فصل بارندگی ضروری است با تاریخ سند که برابر با ۳۰ شهریورماه شمسی است، منطبق هستند و نشان‌دهنده یکی از وظایف معماری‌باشی‌های ایالات است. افزون بر این، می‌توان تصور کرد که وی بیشتر بنایی حرفه‌ای بوده تا یک معمار طراح و نه برای طرح بنایی تازه که بیشتر باهدف انجام کارهای مرمتی مرتبط با عمارت‌های حکومتی موجود اعزام شده باشد؛ چراکه در سند آمده که «کار بنایی قابلی هم نشده». از آنجاکه بنای مهمی در این دوره ساخته نشده است شاید بتوان کارهای مرمتی را محتمل‌تر دانست؛ به یقین نمی‌توان در این باره نظر داد ولی به جز ارگ و دیوان‌خانه - که همگی یادگارهایی از روزگار زندیان در شیراز هستند - چند عمارت دیگر هم در ضلع شمال غربی باغ نظر وجود داشتند که از میراث قاجاریان به شمار می‌روند؛ نخستین مجموعه در این بخش شامل عمارت‌های موسوم به کاخ یا عمارت آینه (کاخ همایون) شامل سه بنای به هم پیوسته است که آغاز ساخت آن‌ها باید حوالی ۱۲۳۰ق (دوره فتحعلیشاه قاجار) و به دستور حسینعلی میرزا فرمانفرما بوده باشد. شواهد نشان می‌دهد که این بناها در روزگار ناصرالدین‌شاه قاجار رو به فرسایش نهاده بودند (اسدپور، ۱۳۹۸). شاید یکی از کارهایی که می‌بایست به دست معماری‌باشی با هزینه دولت انجام می‌شده، مرمت همین عمارت‌ها بوده باشد؛ چراکه این بناها در روزگار قاجار کانون دیوانی-تشریفاتی و محل استقرار حاکم بودند و ارزش سیاسی بسیاری داشتند. و همین نابسامانی‌ها به همراه تغییر مدام والیان فارس سبب شد تا انتهای دوره ناصری کماکان روند فرسایش این بناها، ادامه داشته باشد.

از دوره دوم حیات کاری میرزا حسن معماری‌باشی تنها گزارشی در «وقایع اتفاقیه» (گزارش خفیه نویسان انگلیسی ۱۲۹۱-۱۳۲۲ق) در دست است. در گزارش رویدادهای ۲۹ رجب تا ۲۶ شعبان ۱۲۹۶ق آمده که «میرزا حسن معماری‌باشی قناتی به مقرب‌الخاقان مشیرالملک فروخته» و مشیر نیز در جوشک که باغ‌های مسجد بردی و نیمی از شهر شیراز را مشروب می‌نموده به کار قنات مشغول بوده که یک مرتبه قنات معماری‌باشی تمام آب جوشک را می‌کشد و سبب خشکی آن می‌شود. به حکم حکومت قنات مشیر را پر می‌کنند و میرزا حسن معماری‌باشی را چوب زیادی می‌زنند و البته در حوالی ۱۸ شعبان معتمدالدوله فرهادمیرزا (حک ۱۲۹۳-۱۲۹۸ق) خلعتی به وی برای دلجویی می‌دهد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۱۱۲ و ۱۱۳). مشخص نیست که میرزا حسن معماری‌باشی خود این قنات را ساخته (به معنی انجام کارهای بنایی) یا صرفاً آن را معامله کرده است؛ با این حال، حضور وی و مشیرالملک در امور مربوط به قنات را باید در سیاق زمامداری آن روز فرهادمیرزا دریافت. وی در نخستین سال زمامداری‌اش دستور داد تا قنات‌های کریم‌خانی را که به چشمه جوشک می‌ریخت، لایروبی کنند و شخصاً از نهر اعظم و مقسم اعلا و سفلی دیدن می‌کرد. او در کنار نهر اعظم قناتی تازه معروف به «فرهادآباد» حفر کرد و به تاسی از وی، میرزا علی محمدخان قوام‌الملک نیز در ۱۲۹۶ق قنات لیمک را لایروبی نمود (امداد، ۱۳۸۷: ۲۸۶ و ۲۹۴). دور از ذهن نیست که در همین سیاق و رقابت میان مشیر و قوام، میرزا حسن معماری‌باشی نیز در پی سودی بوده باشد.

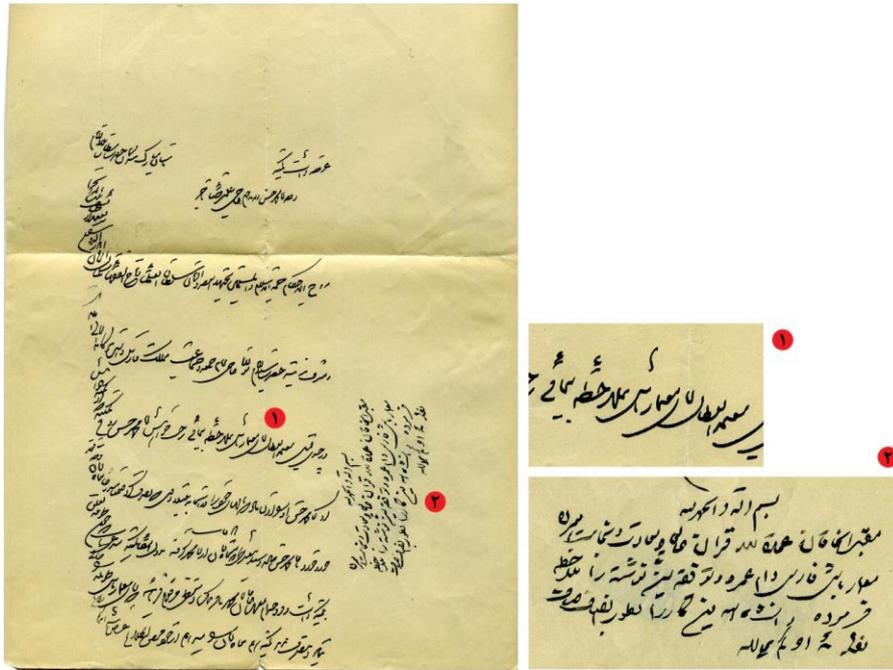
۲. آقاخان معماری‌باشی

آقاخان، معماری‌باشی ایالت فارس در سال ۱۳۱۲ق در شیراز بود (ذکاء، ۱۳۷۹: ۴۵۷) وی را باید واپسین معماری‌باشی ایالت فارس دوره ناصری به شمار آورد. تاکنون اطلاعاتی از او بیش از این یافت نشده است. روزگار او مقارن با حکومت دوم رکن‌الدوله (۱۳۱۴-۱۳۱۱ق) در فارس است. در این دوره و با کشته شدن ناصرالدین‌شاه در ۱۳۱۳ق و تهی بودن خزانه کشور، بعید به نظر می‌رسد که اقدام عمرانی یا مرمتی قابل توجهی در ایالات کشور از جمله فارس انجام شده باشد. اگر حضور آقاخان معماری‌باشی را بتوان به معنی عزل میرزا حسن معماری‌باشی در فارس تلقی کرد، بنابراین به گمان قوی میرزا حسن می‌توانسته دستکم بیش از یک دهه در فارس بوده باشد.

۳. معتمدالسلطان معماری‌باشی

نام حقیقی و تاریخ آغاز به کار معتمدالسلطان معمارباشی در فارس مشخص نیست. اگر آقاخان معمارباشی و معتمدالسلطان را دو معمار متفاوت در نظر بگیریم، آن وقت حضور معتمدالسلطان در فارس می‌بایست دستکم از اواخر دهه ۲۰ سده چهاردهم قمری بوده باشد. تنها سند موجود که در آن به معتمدالسلطان معمارباشی ایالت فارس اشاره شده، عریضه‌ای است از زوجه آقا محمدحسن، ولد مرحوم حاجی علی‌رضا تاجر، برای تخلیه یک طویله به حاجی امام جمعه و جماعت مملکت فارس (تصویر ۲)، و در آن سند آمده که «معتمدالسلطان آقای معمارباشی عملاً خطه بنائی» به مبلغ پنجاه تومان طبق بیع شرطی بدون امضاء طویله‌ای را تصرف کرده و حال که محمدحسن تاجر آن را به محمدباقر فروخته، زوجه درخواست تخلیه آن را دارد. امام جمعه در هامش عریضه «معمارباشی فارس» را «مقرب‌الخاقان عالیجاه سعادت و شجاعت» خطاب نموده و تقاضا دارد که «این نوشته را ملاحظه فرموده و انشاءالله این کار را به‌طور انصاف» حل و فصل نماید (آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار، ۱۶۱۷۹۸۷۱). سند فاقد تاریخ و اثر مهر است ولی آرشیو نمایه‌کننده، آن را از اوایل سده ۱۴ ق دانسته است. امام‌جمعه فارس تا سال ۱۳۱۸ ق «حاجی شیخ یحی امام جمعه»، شوهر خواهر صاحب‌دیوان، بود و سپس پسرش «حاجی عمادالشریعه» را به‌جای خود نشانده (سعیدی‌سیرجانی، ۱۳۶۲، ۵۶ و ۲۰۸ و ۶۲۷). ولی این موضوع نیز کمکی به تاریخ‌گذاری دقیق سند نمی‌کند. شوربختانه نام معتمدالسلطان هم در متن عریضه نیامده و به لقب وی اکتفا شده است. این محدودیت شناختن نام وی را ناممکن نموده و انتصاب دیگر شواهد را به وی دشوار می‌نماید.

بااین حال چند نکته مهم در این سند قابل توجه است؛ نخست، استفاده از لقب مقرب‌الخاقان است. لقبی مرسوم در دوره قاجار که بسیاری از منشی‌باشی‌های ادارات و نایب‌الوزراء‌های ادارات بزرگ و دیوان‌خانه‌ها و مهندسان را چنین می‌خواندند و در پیوند با لقب معتمدالسلطان، برای نامیدن بسیاری از امراءتومان، سرتیپان، و سررشته‌داران و محررین و حتی آغایان (خادمان) حرم هم به‌کاربرده‌اند (وحیدنیا، ۱۳۵۰: ۱۲۲۵-۱۲۲۷). لقب «مقرب‌الخاقان» و «معتمدالسلطان» برای برخی از معمارباشی‌ها نیز به‌طور هم‌زمان به‌کاررفته است؛ به‌عنوان نمونه ضمه‌نامه‌ای از ۱۳۲۹ ق در دست است که طی آن حاجی علی‌بیگ طهرانی بدهی خود را به «مقرب‌الخاقان معتمدالسلطان میرزا عباسقلی‌خان معمارباشی ولد میرزا علی‌بابای معمار» پرداخت کرده است (ساکما، ۱۹۹۹/۳۱۵۰۲). این لقب برای «مقرب‌الخاقان عبدالله‌خان صنیع‌الایاله معمارباشی» نیز به‌کاررفته بود (ساکما، ۱۰۷۶۵۸، ۲۴۰). همچنین محمدابراهیم‌خان معمارباشی هم در مکاتبات دیوانی به همین لقب خوانده می‌شد که شاید به سبب نسبت سببی او با ناصرالدین‌شاه بوده باشد (پیشوایی و اهری، ۱۴۰۱: ۱۱۲). به‌هرروی، به کار بردن این دو لقب با یکدیگر برای معمارباشی ایالت فارس نشان از جایگاه ویژه و شأن ممتاز وی در تشکیلات دیوانی دارد. این جایگاه با توجه به لحن هامش امام‌جمعه فارس نیز روشن‌تر می‌شود.

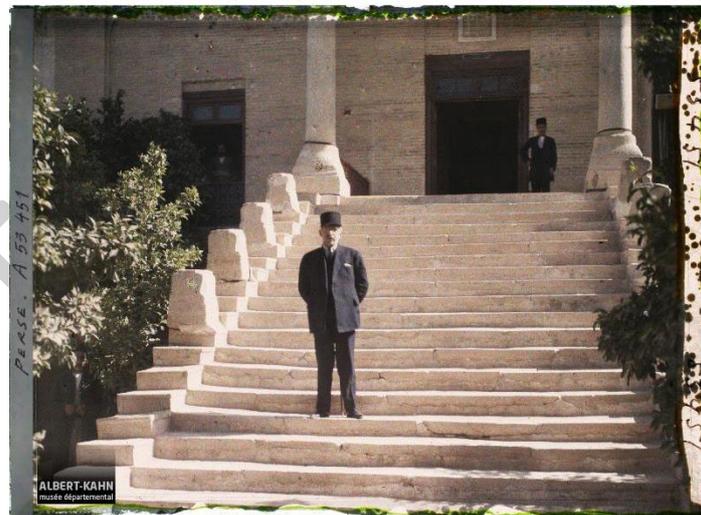
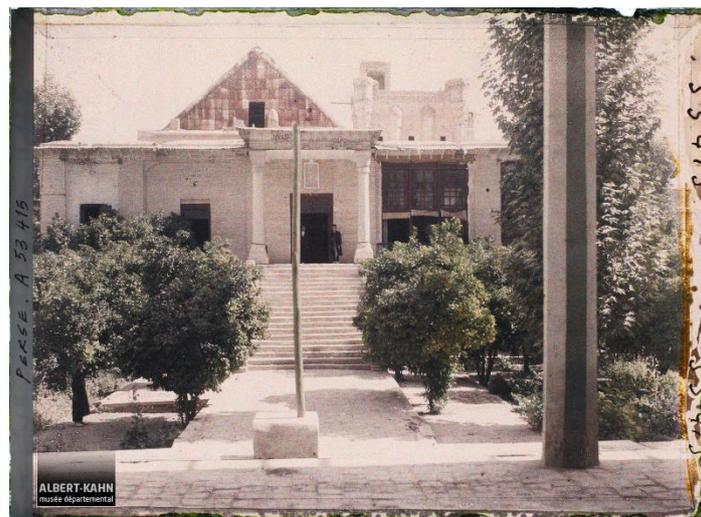


تصویر ۲: عریضه برای تخلیه طویله تصرف شده به دست معتمدالسلطان معمارباشی (آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار، ۱۶۱۷۹۸۷۱)

مورد دوم، اشارهٔ متن عریضه است به «معمارباشی عملۀ خطۀ بنائی» که نشان می‌دهد معتمدالسلطان افزون بر وظایف معمول معمارباشی‌ها در نظارت بر ساخت‌وسازها، تهیهٔ صورت‌تعمیرات و بنائی، و کنترل امور عملی و فنی، باشی اهالی معماری نیز بوده است و می‌بایست امورات آن‌ها را نیز مدیریت می‌نموده باشد. واژهٔ بنائی به معنی عمل ساخت است که کنندهٔ آن تنها بناها نبودند بلکه دیگر عاملان معماری را نیز شامل می‌شده است. چنین سندی در نوع خود در فارس یکتاست و معرف ویژگی متفاوتی از این معمارباشی است که با میرزاحسن معمارباشی به کل متفاوت است.

نامی از «معمارباشی» در دورهٔ مظفرالدین‌شاه وجود دارد که شاید همین معتمدالسلطان باشد. در این باره به یقین نمی‌توان نظری داشت ولی با توجه به آشننگی فارس در بازهٔ زمانی پنج‌سالهٔ قتل ناصرالدین‌شاه تا روزگار شعاع‌السلطنه در نخستین دورهٔ حکومت خود بر فارس (۱۳۱۸-۱۳۱۹ق)، نمی‌توان انتظار داشت که کار عمرانی یا مرمتی ویژه‌ای انجام شده باشد. در واپسین سال حکمرانی شعاع‌السلطنه، در ۱۳۱۹ق، از بنایی دو آشکوبه در وسط میانسرای ارگ کریم‌خانی بهره‌برداری می‌شود که تا روزگار پهلوی دوم هم برجای بود. عکسی از آن در شهریور ۱۳۰۶ش به دست فردریک گادامر تهیه شده که والی آن روز فارس، حسینعلی کمال هدایت نصرالملک (حک خرداد تا آذر ۱۳۰۶ش) را بر پله‌های عمارت نشان می‌دهد (تصویر ۳). در شعر فرصت‌الدوله شیرازی نام طراح آن «مهندس مزین‌الدوله» و به اهتمام «زین‌العابدین خان مدبرالسلطنه» آورده شده که به دست معمارباشی ساخته شده است: «پُر خرد معمارباشی کرد بنیانی رفیع/ باکمال عقل و حسن فکرت و جمع حواس» (فرصت، ۱۳۳۴، ۴۲۴). ولی در ۱۸ جمادی‌الثانی همان سال، هنگامی که می‌خواستند بخاری اتاق‌های آن را آتش‌اندازند تا خشک شود، چهار یا پنج ساعت رفته از شب یکی از اتاق‌ها آتش گرفته و مجبور می‌شوند آن اطاق را خراب کنند تا جای دیگر را نسوزاند. صبح، شعاع‌السلطنه، «معمارباشی» را چوب زیادی می‌زند و به «مدبرالسلطنه» که سرکار بنائی بوده تغییر زیادی کرده‌اند که بخاری بد ساخته است» (سعیدی‌سیرجانی، ۱۳۶۲، ۶۵۱). طراح عمارت، حاجی میرزا علی‌اکبرخان نطنزی ملقب به مزین‌الدوله، طراح و نقاش، در ۱۳۱۸ق به همراه شعاع‌السلطنه به شیراز آمده بود و از دیگر کارهای وی طراحی و ساخت بقعهٔ فلزی‌ای است که با همکاری حاجی علی‌اصغر به امر شعاع‌السلطنه و به دستور مظفرالدین‌شاه در ۱۳۱۹ق بر مزار حافظ ساخته بود (شیرازی، ۱۴۰۲، ۱۶). با این حال، «زین‌العابدین مدبرالسلطنه» هم تنها سرکار بنائی نبود، او هم دستی بر کار طراحی داشته؛ فرصت شیرازی در

قطعه شعری دیگر آورده که در زمان علاءالدوله (حک ۱۳۲۰-۱۳۲۲ق) دستور داده می‌شود تا قهوه‌خانه‌ای در غرب آب‌انبار وکیل^۲ ساخته شود و «طرح آنرا ریخت زین‌العابدین‌خان آنکه هست/ هم مدبر سلطنت را هم دبیری کاردان» و تاریخ ساخت آن را به ابجد ۱۳۲۱ق در قالب مصرعی سروده است (فرصت، ۱۳۳۴، ۴۳۲). به گمان قوی این بنا نیز می‌بایست به دست معتمدالسلطان معمارباشی ساخته شده باشد. افزون بر این، علاءالدوله میدان توپخانه شیراز را مشابه با توپخانه تهران تعمیر کرد و جای توپ در آن ساخت و پیرامون آن را چراغ نصب نمود (امداد، ۱۳۸۷، ۴۲۰). این اقدامات نیز می‌تواند با مشارکت معتمدالسلطان معمارباشی انجام شده باشد. به‌هرحال، تفکیک روشن کار بنایی و سرکار بنایی در بنای الحاقی ارگ و طرح قهوه‌خانه باصفت مورد اشاره به «معمدالسلطان آقای معمارباشی عملۀ خطۀ بنائی» در کنار هم نشان می‌دهند که «معمارباشی» بیشتر دستی بر عمل معماری و نه مباحثی داشته است و کار طراحی را دیگران بر عهده داشتند.



تصویر ۳: عمارت الحاقی ارگ در شهریور ۱۳۰۶ش (عکس از فردریک گادمر) (Collections du Musée Albert-Kahn, 1927)

تحلیل یافته‌های پژوهشی

پویایی و دگرگونی در منصب معمارباشی‌گری در دستگاه دیوانی شهرهای کوچک‌تر و ایالت‌های دورتر از دارالخلافه، نیازمند نگاه تاندازه‌ای متفاوت است که از مقیاس کارها و نیازهای محلی ناشی می‌شود. شواهدی که در این پژوهش عرضه شد، بخشی از همین فرضیه را روشن می‌سازند. به نظر می‌رسد تفکیک وظایف در دوره‌های بعد، به‌ویژه بارونق ساخت‌وسازهای دوره ناصری، باعث گردید که نقش برخی معماران از جنبه‌های طراحی و تدبیر عمارت هم کلان‌تر شده و نقش نظارتی و فنی از آن

تفکیک و گروهی دیگر عهده‌دار آن شوند؛ گروهی که منصب «معمارباشی‌گری» را داشتند و به‌آرامی این منصب از دست معماران نیز خارج شد تا در ۱۳۰۰ق دوباره معماران جایگاه خود را بازیافتند. البته نباید این اصطلاح اسباب سردرگمی شود؛ چراکه معمارباشی در وجه عام خود معرف معماری توانا، کارآزموده و معتمد است که در برخی اسناد قاجاری چه در ایالات و چه در دارالخلافه به همین منوال به‌کاررفته، و در وجه خاص خود به منصبی در دربار و برخی ایالت‌ها اشاره دارد که چندان متضمن توانایی عملی در کار معماری نیست و بیشتر یک منصب دیوانی است. منصب معمارباشی‌گری در دربار ناصری در میانهٔ هرم قدرت و دیگر مناصب در سلسله‌مراتب تشکیلات قرار داشت؛ آن‌ها فروتر از «رئیس بنائی» و بالاتر از «مباشِر» بودند. به‌این‌ترتیب گاهی اوقات چالش‌های نظارتی، گزارش‌های ناقص و نادرست بالادستان اسباب رنجش متقابل آن‌ها را در پی داشته است. بررسی اسناد نشان می‌دهد که گونه‌گونی وظایف آن‌ها هیچ‌گاه نافی کار برآورد مخارج بنائی و تهیهٔ صورت هزینه ساخت‌وساز ابنیه و نظارت بر آن‌ها نبود و شاید بتوان این کارها را از وظایف ثابت آن‌ها تلقی نمود.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان دادند که ساختار تشکیلات معماری در دیوان‌سالاری والیان ایالت فارس اقتباسی از دارالخلافهٔ ناصری بوده ولی مقیاس و نوع کارها چنین حدی از تفکیک وظایف را ایجاب نمی‌کرده است. والیان ایالت فارس به‌حکم پادشاه به ساخت عمارت‌های دیوانی یا مرمت آن‌ها اقدام می‌کردند و رئاست بنائی نیز بر عهده کسانی بود که همچون زین‌العابدین‌خان مدبرالسلطنه - که دبیری کردان بود - «سرکار بنائی» خوانده می‌شدند. ولی هیچ سندی تاکنون دربارهٔ حضور فردی به‌عنوان مباشر که همچون دربار ناصری یک پروژه را در فارس به‌طور ویژه پیگیری نماید، به دست نیامده است. والیان قاجاری فارس بعد از دورهٔ فتحعلیشاه به‌جز بنایی الحاقی در میانسرای ارگ در دورهٔ مظفرالدین‌شاه، تقریباً هیچ بنای دیوانی قابلی در این دوران در شیراز نداشتند. آن‌ها در زیرساخت‌های دیوانی زندیان ساکن شدند. این در حالی است که در همین دوران مشیرالملک، قوام‌الملک و نصیرالملک و بسیاری از منتفذین محلی بناهای ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشتند. به همین سبب در دیوان‌سالاری فارس در عمل «مباشِر» هم در کار نبود. طرح‌ها نیز به دست افرادی تهیه شدند که در واقع در این پیشه اعتباری نداشتند؛ والیان فارس به‌جای استفاده از «محمدحسن معمار»، «محمداسمعیل معمار»، «مشهدی ابوطالب معمار» و بسیاری دیگر از معماران کارآزمودهٔ محلی، کار طراحی را نیز به سرکار بنائی «زین‌العابدین‌خان مدبرالسلطنه» یا «مزین‌الدوله» که نقاشی چیره‌دست بود، سپردند. به همین سبب «معمارباشی» که می‌بایست به کارهای نظارتی و فنی و عملی بپردازد، بیشتر نقش «بنای دیوانی» را بر عهده گرفت که کارش «عمل دیوار شد و نه تدبیر عمارت» و بیشتر به گماشتن کارگران خرد و عمله پرداخت. او صناعت رئاست بناء را از دست داد و علم صنایع و پیشه‌ورانه برای او کافی شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش سه معمارباشی در فارس را شناسایی نمودند که از دورهٔ ناصری تا دورهٔ محمدعلی‌شاه را شامل می‌شوند؛ نخستین آن‌ها «میرزاحسن معمارباشی» است که می‌بایست در میانهٔ دورهٔ ناصری (احتمالاً روزگار مسعودمیرزا ظل‌السلطان) به فارس فرستاده شده باشد. او فردی کار نابلد و سودجو بود. علی‌رغم اعتراض مشیرالملک به عملکرد وی (۱۲۹۲ق)، برای بیش از یک دهه همچنان بر مستند ماند؛ جز کاهگل مالی عمارت‌های دیوانی، قناتی هم ساخته بود (۱۲۹۶ق) که با خاک پُر کردند. دومین آن‌ها، «آقاخان معمارباشی» در اواخر دورهٔ ناصری (۱۳۱۲ق) / دورهٔ دوم حکومت رکن‌الدوله است که هویت او در پردهٔ ابهام است. سومین آن‌ها، «معمدمالسلطان معمارباشی» ملقب به «مقرب‌الخاقان»، «معمار باشی عملی خطهٔ بنائی» است که به گمان قوی در اواخر دههٔ ۲۰ سدهٔ چهاردهم به این منصب رسید. او نقطهٔ مقابل میرزاحسن معمارباشی بود؛ فرصت از وی با «عقل، حسن فکر و حواس جمع» یاد کرده است. مورداحترام امام‌جمعهٔ فارس و به دربار نزدیک بود. به گمان قوی ساخت عمارت الحاقی ارگ (۱۳۱۹ق) در روزگار شعاع‌السلطنه، ساخت قهوه‌خانهٔ غرب آب‌انبار وکیل (۱۳۲۱ق) و مرمت میدان توپخانهٔ شیراز (در دورهٔ حکومت علاءالدوله ۱۳۲۰-۱۳۲۲ق) از آثار او بوده است که همگی از میان رفته‌اند. تشکیلات معماری ایالت فارس در این دوران، دو تمایز ساختاری با پایتخت دارد؛ نخستین آن حذف منصب «مباشِر» است و دیگری عدم استفاده از «معماران کارآزموده» برای طرح عمارت‌های دولتی و استفاده از نقاشان و سرکار بنایان بجای آن‌هاست. بخشی از این تمایز ساختاری به مقیاس و حجم کارهای عمرانی در فارس بازمی‌گردد؛ ولی کیفیت پایین اندک عمارت‌های دولتی ساخته‌شده

نسبت به نمونه‌های هم‌روزگار خود که به دست دیگر دیوان‌سالاران شهر برپا شدند را می‌بایست ناشی از ضعف و ناکارآمدی تشکیلات معماری ایالت فارس در عصر قاجار دانست که خود پیامد رقابت‌های سیاسی و آشفتگی‌های اقتصادی و چشم‌وهم‌چشمی‌های محلی در تصدی امور است. به این ترتیب منصب معماری‌گری نیز به بنای دیوانی فروکاست شد. پژوهش‌های آتی می‌توانند به شیوه انتصاب معماری‌ها در دیگر ایالات، نقش آن‌ها در جابجایی اسلوب‌ها یا روش‌های طراحی/ساخت در ولایات و نیز سرانجام آن‌ها در روزگار پهلوی بپردازند.

سپاسگزاری

این پژوهش در چارچوب برنامه جهت‌دار مطالعاتی و در «هسته پژوهشی مطالعات تاریخی معماری» در دانشگاه هنر شیراز به انجام رسیده است.

تعارض و منافع

نویسنده ضمن اعلام رعایت اخلاق نشر در ارجاع‌دهی‌ها، وجود هرگونه تعارض منافع با شخص و دستگاه دولتی را اعلام می‌دارد.

پی‌نوشت

۱. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص معماری‌های عصر ناصری و نقش آنها در معماری دربار به رساله دکتری حمیدرضا پیشوایی به نام «معماری کاخ گلستان در عصر ناصری: به مثابه آیین تحول ذوق» در دانشگاه شهید بهشتی به راهنمایی زهرا اهری و مهرداد قیومی بیدهندی در سال ۱۴۰۰ مراجعه نمائید.

۲. عکسی در آرشیو خصوصی مهدی ابراهیم‌زاده (احتمالاً از میرزا حسن عکاس) وجود دارد که نمایی از این قهوه‌خانه را نشان می‌دهد؛ بنایی دو اشکوبه که پله‌های آجری از دو سوی آن به سمت مرکز ایوان ستون‌دار میانی بالا می‌آیند. ایوان دارای دو جفت ستون در مرکز و دو پیلک در دو طرف خود است. سرستون‌ها -که به نظر چوبی هستند- طرحی شبیه سرستون‌های گاو شکل تخت‌جمشید دارند. بر بالای شیرسره‌های ایوان، سه هلالی است که میانی آن بزرگ‌تر است. در زیر عکس نوشته شده: «قهوه‌خانه‌ایست که در جنب میدان توپخانه شیراز در هذه السنه به سعی این غلام ساخته شده و در پشت آن مهمانخانه‌ایست برای غربا و یک روی قهوه‌خانه به میدان گشوده شده که بر شکوه میدان افزوده است. ۱۳۲۱».

کتابنامه

اسدپور، علی، (۱۳۹۸). «عمارت‌های باغ نظر شیراز و دگرگونی‌های کالبدی- کارکردی آن‌ها». دو فصلنامه مطالعات معماری ایران، ۸(۱۶): ۵-۲۴. <https://doi.org/10.22052/1.16.5>

افسر، کرامت‌الله، (۱۳۵۳). تاریخ بافت قدیمی شیراز. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار. «عریضه برای تخلیه طویله» (مجموعه جمال‌رادفر)، سند ش ۱۶۱۷۹۸۷۱.
برادران خلخال، زهرا، (۱۳۹۱). «تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، (منتشر نشده).

بزرگ‌نیا، زهرا، (۱۳۸۳). معماران ایران: از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
بنّا، حبیب‌الله، (۱۳۹۳). رساله گیل‌کاری (فتوت‌نامه بنایان). تهران: انتشارات پژوهشکده هنر.

پیشوایی، حمیدرضا، اهری، زهرا، (۱۴۰۱). «معماری‌های دربار ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)». فصلنامه صفه، ۳۲(۹۹)، ۱۰۷-۱۲۵. <https://doi.org/10.52547/sofeh.32.4.107>

ذکاء، یحیی، (۱۳۷۹). «معماران، استادکاران دوران اسلامی». معماری دوران اسلامی، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «اعزام معمار جهت برآورد تعمیرات اصطبل توپخانه». کد بازبایی ۱۴۱۱۵۲۶. سند ش ۲۹۵/۶۱۸۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «تعمیر بنای سلطانیه توسط استاد علی معمار». کد بازبایی ۱۴۱۱۴۴۹. سند ش ۲۹۵/۶۱۱۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «تلگراف مشیرالمک، احضار میرزا حسن معمارباشی در رابطه با امور بنائی عمارت دیوانی». کد بازبایی ۱۴۱۴۰۵۱. سند ش ۲۹۶/۱۵۳۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «توضیحاتی در مورد چگونگی ساخت یک تالار در باغ عمارت و سپردن ساخت آن به معمار باشی». کد بازبایی ۱۴۰۸۸۱۶. سند ش ۲۹۵/۲۹۸۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستخط ناصرالدین شاه به علاءالدوله احضار معمارباشی جهت قرار گذاشتن در مورد بنایی سردر نقاره خانه و بنایی های دیگر در شهر». کد بازبایی ۱۴۱۴۱۹۷. سند ش ۲۹۶/۱۶۸۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستخط ناصرالدین شاه درباره ساخت انبار مشهدسر، کشیدن طرح انبار از سوی معمارباشی». کد بازبایی ۱۴۰۷۰۰۱. سند ش ۲۹۵/۱۱۱۶۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستور به علاءالدوله، لزوم بازدید معمارباشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و غیره در جاجرود». کد بازبایی ۱۴۱۴۱۱۲. سند ش ۲۹۶/۱۶۰۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستور پرداخت یکهزار و هفتصد تومان از تنخواه موزه به معمارباشی و حاجی ابوالحسن خان بابت طلب آنان». کد بازبایی ۱۴۱۴۰۵۶. سند ش ۲۹۶/۱۵۴۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستور صدراعظم مبنی بر ارسال صورت مخارج تعمیر اسلحه خانه و انبار ذخیره و قورخانه کرمان توسط استاد عباس معمار». کد بازبایی ۱۴۱۱۸۲۶. سند ش ۲۹۵/۶۴۸۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «دستور طراحی در دوشان تپه، واگذاری ساختن دیوار اطاق نظام به معمار دیگری به جز معمارباشی». کد بازبایی ۱۴۱۴۰۸۶. سند ش ۲۹۶/۱۵۷۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «ذمه نامه پرداخت بدهی». کد بازبایی ۴۲۸۴۱۸۳. سند ش ۹۹۹/۳۱۵۰۲.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «شکایت معمارباشی از بیرون کردن وی و لزوم تحقیق از امین السلطان در این مورد». کد بازبایی ۱۴۱۴۱۶۵. سند ش ۲۹۶/۱۶۵۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «صورت بازدید و برآورد قیمت خانه واقع در باغ همایون». کد بازبایی ۴۰۰۴۱۴۵. سند ش ۹۹۹/۳۲۸۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «صورت تعمیرات لازم و برآورد مخارج آن توسط استاد محمد معمار». کد بازبایی ۱۴۱۴۱۳۶. سند ش ۲۹۶/۱۶۲۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «صورت خرج بنایی و تعمیرات عمارت حکومتی در زمان حکومت ظهیرالدوله». کد بازبایی ۵۴۹۰۹۲۸. سند ش ۲۴۰/۱۰۷۶۵۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «صورت مخارج بنایی و کاشی کاری دروازه مبارکه ناصریه توسط استاد اسماعیل معمار قمی گماشته وجیهاله میرزا». کد بازبایی ۱۴۱۴۷۱۳. سند ش ۲۹۶/۲۲۰۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «صورت هزینه بنایی عمارات دیوانی اردبیل». کد بازبایی ۳۴۰۶۶۹۸. سند ش ۹۹۷/۱۵۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «طومار بازدید مخارج کاروانسرای دولتی». کد بازبایی ۲۷۰۱۴۵۶. سند ش ۲۱۰/۱۸۹۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «عریضه پرداخت اضافه تنخواه بنایی در وجه عبدالله معمارباشی». کد بازبایی ۱۴۱۱۰۱۰. سند ش ۲۹۵/۵۶۷۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «عقد شراکت بین چند تن از اهالی کاشان». کد بازبایی ۲۸۸۴۰۶۸. سند ش ۲۹۶/۲۴۴۳۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «فرمان برقراری مستمری حسنعلی معمارباشی». کد بازبایی ۵۴۵۷۹۷۴. سند ش ۲۴۰/۱۰۷۵۲۰.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب خانی به عبدالله‌خان». کد بازیابی ۳۳۷۷۰۰۶. سند ش ۹۹۷/۹۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنائی قصر عجاج و شمس‌العماره، ۲۷ محرم ۱۲۹۵ق». کد بازیابی ۱۴۰۹۴۲۱. سند ش ۲۹۵/۳۵۸۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «مصالحه فروش مزرعه حسین‌آباد واقع در ساوه». کد بازیابی ۵۵۳۸۱۷۴. سند ش ۹۹۹/۳۶۰۲۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «موقوفات مسجد و مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی در تهران». کد بازیابی ۱۹۲۳۳۵۹. سند ش ۲۵۰/۴۹۸۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه مبنی بر شکایت معمارباشی از نحوه ارزیابی عملکرد وی، ۱۲۹۲ق تهران». کد بازیابی ۱۴۰۹۴۴۸. سند ش ۲۹۵/۳۶۱۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. «واگذاری نجاری حجرات میدان جدید به حاجی ابوالحسن و معمارباشی». کد بازیابی ۱۴۱۴۲۱۰. سند ش ۲۹۶/۱۶۹۸.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر، (۱۳۶۲). *وقایع/تفاهیه*. ج ۲. تهران: نشر نو.
- سلیمانی، کریم، (۱۳۷۹). *القاب رجال دوره قاجاریه*. تهران: نشر نی.
- شیرازی، نائب، (۱۴۰۲). «بقعه حافظ؛ شعاع السلطنه و فرصت شیرازی». *نشریه گزارش*، ۳۳(۱۶): ۱۷-۲۵.
<https://www.magiran.com/paper/2716669>
- فرصت، محمدنصیربن جعفر، (۱۳۳۴). *دیوان فرصت*، تصحیح علی زرین‌قلم، تهران: نشر سیروس.
- کیوانی، مهدی، (۱۳۹۵). *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی؛ جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران*. ترجمه یزدان فرخی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- مانزلو، آلان، (۱۴۰۳). *مفهوم‌شناسی تاریخ؛ راهنمای مطالعات تاریخی*. ترجمه سیدهاشم آقاجری و بهزاد کریمی، تهران: نشر نو.
- مجتهدزاده، روح‌الله، (۱۴۰۰). *مناسبات معمار یو علوم در ایران دوران اسلامی*. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- وحیدنیا، سیف‌الله، (۱۳۵۰). «القاب و عناوین که از طرف اعلیحضرت اقدس همایونی روح العالمین فداه به صدور می‌رسد». *مادنامه وحید*، ۹(۸): ۱۲۱۹-۱۲۳۱. <https://ensani.ir/fa/article/download/196815>
- Collections du Musée Albert-Kahn (1927). *Perse, Chiraz, Son Excellence Nosrolmolk Hédayat, Gouverneur de Chiraz*, by Frédéric Gadmer. <https://collections.albert-kahn.hauts-de-seine.fr/simple-recherche?q=Chiraz&pgn=2> [accessed 18 February 2025]